



جهاد شناسی در آموزه های نهج البلاغه

احمد علی رضائزاد

دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث قم

چکیده

این مقاله به تحلیل جامع مفهوم جهاد در نهج البلاغه و نقش آن در اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام علی (ع) می‌پردازد. برخلاف تصور رایج که جهاد را محدود به نبرد نظامی می‌داند، این پژوهش نشان می‌دهد که جهاد در آموزه‌های علوی، ابعاد گسترده‌تری از جمله مبارزه با نفس، جهاد با جهل و ظلم، و تلاش برای احیای ارزش‌های اسلامی را در بر می‌گیرد. امام علی (ع) با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و روایات نبوی، جهاد را به عنوان یک فریضه الهی و ضرورت اجتماعی معرفی کرده‌اند که مشارکت همگانی را می‌طلبد. این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا، به بررسی دقیق واژگان و عبارات مرتبط با جهاد در نهج البلاغه پرداخته و نشان می‌دهد که جهاد، علاوه بر وظیفه فردی، یک مسئولیت اجتماعی است که نباید از آن غافل شد. همچنین، به ضرورت بصیرت، نیت صادق، و اهمیت استفاده از فرصت‌ها در جهاد پرداخته شده و موانع و چالش‌های موجود در راه تحقق آن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش می‌تواند به فهم عمیق‌تری از این مفهوم بنیادین اسلامی و تأثیر آن بر حل چالش‌های معاصر کمک کند.

واژگان کلیدی: جهاد، نهج البلاغه، امام علی (ع)، آموزه‌های علوی، مسئولیت اجتماعی، بصیرت.

مقدمه

مفهوم جهاد، به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در اسلام، در اندیشه سیاسی و اجتماعی امام علی (ع) نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. نهج البلاغه، به عنوان یکی از غنی‌ترین منابع برای شناخت اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام علی (ع)، حاوی مباحث گسترده‌ای در خصوص جهاد است. با این حال می‌توان این پرسش را بر نهج البلاغه عرضه کرد که آیا جهاد تنها به معنای جنگ و نبرد می‌باشد یا معنای فراتر از آن دارد؟ بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مفهوم جهاد در نهج البلاغه، صرفاً به جنگ و مبارزه نظامی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده‌تری از جمله جهاد اکبر (مبارزه با نفس)، جهاد با جهل و ظلم و جهاد برای احیای ارزش‌های اسلامی را نیز در بر می‌گیرد.

امیرالمؤمنین علی (ع) با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و روایات نبوی، به تبیین ابعاد مختلف جهاد پرداخته و آن را به عنوان یک فریضه الهی و یک ضرورت برای حفظ دین و جامعه اسلامی معرفی نموده‌اند. در نهج البلاغه، جهاد نه تنها یک وظیفه فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی تلقی شده است و بر اهمیت مشارکت همگانی در این امر تأکید شده است.

این پژوهش با هدف بررسی دقیق مفهوم جهاد در نهج البلاغه انجام شده است. با استفاده از روش تحلیل محتوا و بررسی دقیق واژگان و عبارات به کار رفته در نهج البلاغه، تلاش شده است تا لایه‌های پنهان این مفهوم آشکار شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به ما کمک کند تا درک عمیق‌تری از آموزه‌های اسلامی پیدا کنیم و در حل چالش‌های امروز جامعه نیز نقش فعال‌تری ایفا کنیم.

واژه‌شناسی جهاد

با توجه به گستردگی مفهوم جهاد در منابع اسلامی به‌ویژه در آموزه‌های علوی و نهج البلاغه، ضرورت دارد تا به ریشه لغوی و معنایی این واژه نیز توجه کنیم. «جهاد» از ریشه «جَهَد» و «جُهِد» به معنای تلاش، کوشش و به کارگیری تمام توان است. این معنای لغوی به خوبی با مفهوم گسترده‌ای که امام علی (ع) برای جهاد قائل شده است و در ادامه به آن می‌پردازیم، هم‌خوانی دارد؛ چنان‌که برخی لغت‌شناسان همچون راغب اصفهانی، ابن منظور و مصطفوی، جهاد را به معنای به کار بستن تمام توان و نیرو برای نیل به هدف تعریف کرده‌اند (کرمی میرعزیزی و همکاران، 1395). در این دیدگاه، جهاد صرفاً به جنگ و مبارزه نظامی محدود نمی‌شود، بلکه شامل هرگونه تلاش و کوششی برای تحقق اهداف الهی و انسانی است.

اهمیت و ضرورت بررسی مفهوم جهاد در آموزه های علوی بویژه نهج البلاغه

"آموزه های علوی" به مجموعه ای غنی از باورها، ارزش ها، رفتارها و تعالیم دینی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی گفته می شود که بر اساس ارتباط، ژرفنگری و تفسیری عمیق از قرآن و سنت و در امتداد آن دو، توسط امیرالمومنین علی (ع) و از سوی ایشان بیان شده است و از طریق رفتار و سبک زندگی ایشان نیز به منصفه ظهور رسیده است؛ این آموزه ها در حقیقت، تبلوری از امامت و ولایت ایشان و بخشی مهم و اساسی از آموزه های اسلامی است که از جایگاه ویژه ای برخوردار است و بسیاری از این آموزه ها به دلیل آنکه در بستر حکومت امیرالمومنین (ع) مطرح و تا حد امکان عملیاتی و اجرایی شده اند، ابعاد بسیار گسترده و کاربردی یافته اند. امیرالمومنین (ع) که با همه ی وجود در سرار زندگی و به ویژه حکومت خویش سعی در پیاده سازی این آموزه ها داشتند، نه تنها به تبیین نظری آن ها پرداخته اند، بلکه در عمل نیز آن ها را نیز به نمایش گذاشته اند. این امر باعث شده است که آموزه های علوی به عنوان یک الگوی جامع، کم نظیر و قابل اجرا برای زندگی فردی و اجتماعی در امتداد و راستای آموزه های اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

فلسفه و غایت وجودی آموزه های علوی، هدایت انسان به سوی کمال و سعادت دنیوی و اخروی می باشد و شامل طیف وسیعی از مباحث، از جمله توحید، عدالت، اخلاق، سیاست، اقتصاد، جهاد و... می شود. این آموزه ها بر اساس قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و در طول آن ها بروز یافته و به عنوان الگویی برای همه ی انسان ها بویژه مسلمانان در همه اعصار و مکان ها مطرح و قابل دستیابی است.

نهج البلاغه، یکی از مهم ترین منابع برای نیل به این آموزه های علوی است که نمایانگر و منبعی غنی برای کاوش دیدگاه های امیرالمومنین علی (ع) در خصوص مسائل مختلف فردی و اجتماعی است.¹

یکی از مفاهیم کلیدی و پر اهمیت در آموزه های علوی، مفهوم جهاد است. با توجه به جایگاه ویژه جهاد در اسلام ضرورت دارد تا این مفهوم در بستر نهج البلاغه به طور دقیق مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد.

1. شایان ذکر است که آموزه های علوی هرچند که در دوران زندگی و بویژه حکومت حضرت امیرالمومنین (ع) و توسط ایشان بروز یافته است و عموماً نیز به نام ایشان منتسب شده است اما این آموزه ها صرفاً محدود به دوران ایشان نبوده است و سایر ائمه اطهار (ع) نیز بر اساس نقش ولایت خویش به عنوان جانشینان پیامبر (ص) که وظیفه ی هدایت اُمت و تبیین و تفسیر آموزه های اسلامی را بر عهده داشته اند به تبیین و ترویج نظری و عملی آموزه های علوی در امتداد آموزه های اسلامی پرداخته اند و در این زمینه نقش اساسی و محوری ایفا کرده اند؛ هر یک از ائمه اطهار (ع) با توجه به شرایط زمان و مکان، ابعاد مختلف این آموزه ها را مورد توجه قرار داده و با تفسیر و تبیین این آموزه ها در جامعه، آن ها را برای نسل های آینده نیز حفظ و ترویج کرده اند. آموزه های اسلامی بویژه علوی دارای قابلیت تطبیق با شرایط مختلف زمان و مکان هستند که نشان دهنده پویایی و زنده بودن این آموزه ها است. این آموزه ها، یک نظام جامع و فراگیر برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه می دهد که تمامی ابعاد زندگی انسان و جامعه را در بر می گیرد.

1. ضرورت شناخت جهاد و تفاوت در تناسب و حدانتظار جهاد برای افراد و اقشار گوناگون

"مفهوم جهاد در آموزه های علوی از عمق خاصی برخوردار است. در نهج البلاغه، عرصه ی جهاد محدود به حضور در جنگ نظامی و فیزیکی نیست، بلکه ابعادی دیگر و گسترده ای از مبارزه را نیز در بر می گیرد. یکی از ابعاد مهم این مفهوم، تطبیق آن با شرایط و توانایی های افراد مختلف است.

امام علی (ع) در حکمت 136 نهج البلاغه، به روشنی به این نکته اشاره می کنند که "الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ، وَ الْحَجُّ جِهَادُ كُلِّ ضَعِيفٍ"، نماز عبادت هر پرهیزگاری است و حج جهاد هر فرد ضعیفی.

این گزاره نشان می دهد که جهاد تنها مختص میدان های جنگ نیست و هر فرد بر اساس توانایی ها و شرایط خود می تواند به نوعی جهاد پردازد.

برای درک بهتر این مفهوم، می توان به تفسیر مفسران و محققان شیعه از این روایت مراجعه کرد. به عنوان مثال، برخی مفسران معتقدند که حج به دلیل اتحاد و انسجامی که بین مسلمانان ایجاد می کند، نوعی جهاد علیه دشمنان اسلام محسوب می شود. (مکارم شیرازی، 1375، ص 124)

همچنین، امام علی (ع) در بخش دیگری از حکمت 136 می فرماید "جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ" و جهاد زن را به صبر و بردباری در برابر مشکلات زندگی مشترک تشبیه می کنند (کافی، ج 5، ص 9، ح 1).

می توان گفت امام علی (ع) بر این باور بودند که هر فردی با توجه به توانایی ها، شرایط و موقعیت خود، می تواند نوعی از جهاد را انجام دهد. به عنوان مثال، یک فرد بیمار یا سالمند ممکن است نتواند در جهاد فیزیکی شرکت کند، اما می تواند با دعا و نیایش و کمک به مجاهدان، در راه خدا تلاش کند. همچنین، یک زن خانه دار می تواند با تربیت فرزندان صالح و ایجاد فضایی آرام و معنوی در خانه، به جهاد پردازد.

این رویکرد امام علی (ع) در تعریف جهاد، نشان از نگاه جامع ایشان به دین و زندگی دارد. ایشان بر این باور بودند که هر فردی در هر شرایطی می تواند در راه خدا تلاش و جهاد کند و به کمال برسد. این نگاه، منجر به ایجاد انگیزه و امید در میان مسلمانان می شود.

از منظر امیرالمومنین (ع) هر یک از افراد و اقشار جامعه یک جهاد مخصوص به خود را دارند که متناسب با وضعیت و توانایی های هر فرد می باشد. در یک موقعیت، جهاد برای همه ی افراد ضعیف، حج دانسته شده است و در موقعیتی دیگر برای بانوان خوب شوهرداری کردن و در موقعیتی دیگر نیز امیرالمومنین (ع) حدّ انتظار جهاد برای یکی

از یارانسان را حضور در صحنه نبرد و مقابله مستقیم با دشمنان برای مبارزه با معاویه و هوادارانش تعیین می کند و او را به این جهاد فرا می خواند؛

"و من کتاب له (علیه السلام) إلى عمر بن أبي سلمة المخزومي وكان عامله على البحرين، فعزله، واستعمل نعمان بن عجلان الزرقى مكانه: أمّا بعد، فَإِنِّي قَدْ وَلَّيْتُ النُّعْمَانَ بْنَ عَجْلَانَ الزُّرْقِيَّ عَلَى الْبَحْرَيْنِ وَ نَزَعْتُ يَدَكَ، بِلَا دَمٍ لَكَ وَ لَا تَثْرِيْبٍ عَلَيْكَ، فَلَقَدْ أَحْسَنْتَ الْوَلَايَةَ وَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ؛ فَأَقْبِلْ غَيْرَ ظَنِينٍ وَ لَا مَلُومٍ وَ لَا مُتَّهَمٍ وَ لَا مَأْثُومٍ. [فَقَدْ] أَرَدْتُ الْمَسِيرَ إِلَى ظَلَمَةِ أَهْلِ الشَّامِ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ تَشْهَدَ مَعِيَ، فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَى جِهَادِ الْعَدُوِّ وَ إِقَامَةِ عَمُودِ الدِّينِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ."

و از نامه آن حضرت است به عمر پسر ابو سلمه مخزومی که از جانب امام والی بحرین بود. او را برداشت و نعمان پسر عجلان زرقی را به جای او گماشت: اما بعد، من نعمان پسر عجلان زرقی را به ولایت بحرین گماشتم و تو را از آن کار برداشتم نه نکوهشی بر توست و نه سرزنشی، حکومت را نیک انجام دادی و امانت را گزاردی. پس بیا که نه گمان بدی بر توست و نه ملامتی به تو داریم. نه تهمت به تو زده اند، و نه گناهکاری می شماریم. من می خواهم به سر وقت ستمکاران شام بروم، و دوست داشتم تو با من باشی چه تو از کسانی هستی که از آنان در جهاد با دشمن، یاری خواهند و بدیشان ستون دین را برپا دارند، ان شاء الله. (نهج البلاغه، نامه 42)

2. گریز ناپذیر بودن جهاد

نهج البلاغه، بر اهمیت جهاد به عنوان یک تکلیف الهی و اجتماعی تاکید فراوانی دارد. امام علی (ع) در نهج البلاغه جهاد را به عنوان یک تلاش مستمر برای تحقق اهداف الهی و انسانی تعریف می کنند. در این راستا، امام (ع) بر لزوم مشارکت همه افراد در جهاد، متناسب با توانایی ها و شرایط آنها، تاکید می ورزند.

در خطبه 212 نهج البلاغه، امام (ع) با صراحت، افرادی را که از مشارکت در جهاد سرباز می زنند، مورد نکوهش قرار می دهد و آنها را به عواقب دنیوی و اخروی اعمالشان هشدار می دهد.

"و من خطبة له (علیه السلام) كان يستنهضُ بها أصحابه إلى جهاد أهل الشام في زمانه: اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ سَمِعَ مَقَالَتَنَا الْعَادِلَةَ غَيْرَ الْجَائِزَةِ وَ الْمُصْلِحَةَ غَيْرَ الْمُفْسِدَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، فَأَبَى بَعْدَ سَمْعِهِ لَهَا إِلَّا النُّكُوصَ عَنْ نُصْرَتِكَ وَ الْإِبْطَاءَ عَنْ إِعْزَازِ دِينِكَ، فَإِنَّا نَسْتَشْهِدُكَ عَلَيْهِ يَا أَكْبَرَ الشَّاهِدِينَ شَهَادَةً، وَ نَسْتَشْهِدُ عَلَيْهِ جَمِيعَ مَا أَسْكَنْتَهُ أَرْضَكَ وَ سَمَاوَاتِكَ، ثُمَّ أَنْتَ [بَعْدَهُ] بَعْدُ الْمُغْنِي عَنْ نَصْرِهِ وَ الْآخِذُ لَهُ بِذَنْبِهِ." بار خدایا هر بنده از بندگان که گفتار ما را شنید، گفتاری که از روی داد است نه ستم، و موجب اصلاح است، نه تباه کننده دین و دنیا- هم- و پس از شنیدن آن سرباز زد، و از یاری ات باز ایستاد، و در گرامیداشت دینت درنگ کرد و آهستگی نشان داد، ما بر او گواه

می گیریم بزرگترین گواهان را، در دادن گواهی -حضرت رسالت پناهی- و نیز گواهی می خواهیم بر او از همه آنان که در زمین و آسمانهای ساکن گردانیده ای، و از آن پس تو ما را از یاری او بی نیاز کننده ای و او را به کیفر گناهانش گرفتار سازنده. (نهج البلاغه، خطبه 212).

این امر نشان می دهد که از دیدگاه امام(ع)، جهاد نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف است و بی عملی در این زمینه، عواقب جدی در پی خواهد داشت. امام(ع) با این سخنان، هم به افراد سست عهد هشدار می دهد و هم به یاران وفادار خود اطمینان خاطر می دهد که خداوند یار و یاور آنها خواهد بود. (مکارم شیرازی، 1375، ص 187).

به عبارت دیگر، جهاد در نهج البلاغه، صرفاً یک وظیفه فردی نیست، بلکه یک مسئولیت اجتماعی است که همه افراد موظف به انجام آن هستند. بی توجهی به این مسئولیت، نه تنها به فرد آسیب می رساند، بلکه به کل جامعه نیز ضرر می رساند، در نظر امام(ع)، بی عملی و عدم مشارکت در جهاد، تنها یک گناه فردی نیست، بلکه جامعه و دین در اثر آن آسیب می بیند و با ترک جهاد، زمینه برای گسترش ظلم و فساد فراهم می شود و جامعه به سوی نابودی پیش می رود.

دلایل تأکید امام(ع) بر اجتناب ناپذیری جهاد را می توان در اهمیت حفظ دین، گسترش عدالت و مقابله با ظلم جستجو کرد. از دیدگاه ایشان، هر فرد مؤمنی موظف است در حد توان خود برای تحقق این اهداف تلاش کند و در صورت کوتاهی، مسئولیت و عواقب سنگینی بر عهده وی خواهد بود. به عبارت دیگر، جهاد در نهج البلاغه، صرفاً یک وظیفه فردی نیست، بلکه یک مسئولیت اجتماعی است که هر فرد مؤمن باید آن را جدی بگیرد و اجتناب از آن، علاوه بر عواقب فردی، عواقب اجتماعی به همراه خواهد داشت. بنابراین در دیدگاه امام علی(ع)، جهاد نه تنها یک تکلیف شرعی، بلکه مسئولیتی اجتماعی و برای بقای دین و جامعه اسلامی ضروری است."

3. مهلت معین داشتن جهاد(ضرورت وقت شناسی در جهاد)

از نکات مهمی که در بیان امام علی(ع) در نهج البلاغه بر آن تأکید شده است، زمان مند بودن جهاد و ضرورت رعایت زمان بندی مناسب در جهاد است.

. امام علی(ع) در خطبه 27 نهج البلاغه، جهاد را درگاهی به سوی بهشت و لباسی برای تقوا توصیف می کند، " فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَا خَصَّ بِهِ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ، وَجُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ". (نهج البلاغه، خطبه 27). اما فراتر از این جنبه معنوی، ایشان بر اهمیت فرصت شناسی در جهاد نیز تأکید می ورزند. در نامه ای به مردم کوفه، امام(ع) با استفاده از واژه هایی مانند "سارعوا"، و "بادروا"، بر ضرورت شتاب و پیشی

گرفتن در جهاد تأکید کرده است " فَاسْرِعُوا إِلَى أَمِيرِكُمْ وَبَادِرُوا جِهَادَ عَدُوِّكُمْ " ² (نهج البلاغه، نامه 1) این امر نشان می‌دهد که امام (ع) بر لزوم اقدام به موقع و بهره‌برداری از فرصت‌های مناسب برای مقابله با دشمنان اسلام واقف بود.

دقت در استعمال این واژگان در قرآن و روایات و تحلیل آنها نشان می‌دهد که "سرعت" به عملکرد فردی و شخصی، "سبقت" به امور اجتماعی و پیشی گرفتن از دیگران در خیرات اشاره دارد، در حالی که "بادروا" به معنای شتاب داشتن در اموری است که فرصت مشخصی برای انجام آنها وجود دارد و بیشتر بر اهمیت استفاده از فرصت‌های کوتاه‌مدت و غیر قابل جبران آن در صورت عدم استفاده تأکید می‌کند.

این امر نشان می‌دهد که جهاد نیز دارای یک زمان مشخص است و اگر به موقع انجام نشود، فرصت آن از بین می‌رود. در شرح بخشی از خطبه 34 نهج البلاغه ³ نیز آمده است که امام (ع) بر ضرورت حرکت سریع لشکر به سوی شام تأکید می‌کرد، زیرا می‌دانست که تعلل در این امر می‌تواند منجر به از دست رفتن فرصت پیروزی شود. (مکارم شیرازی، 1375، ج 2، ص 316). این نکته در روایات دیگر نیز مورد تأکید قرار گرفته است، به عنوان مثال امام

². و من کتاب له (علیه السلام) إلى أهل الكوفة عند مسيره من المدينة إلى البصرة: مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ جَبْهَةً الْأَنْصَارِ وَ سَنَامِ الْعَرَبِ؛ أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي أَخْبِرُكُمْ عَنْ أَمْرِ عُثْمَانَ حَتَّى يَكُونَ سَمْعُهُ كَعَيْنَيْهِ: إِنَّ النَّاسَ طَعَنُوا عَلَيْهِ، فَكُنْتُ رَجُلًا مِنَ الْمُهَاجِرِينَ أَكْثَرَ اسْتِعْتَابَهُ وَأَقْلُ عِتَابِهِ؛ وَكَانَ طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ أَهْوَى سَيْرِهِمَا فِيهِ الْوَجِيفُ وَأَرْفَقُ جِدَائِهِمَا الْعَنِيفُ، وَكَانَ مِنْ عَائِشَةَ فِيهِ فَلَتَةٌ غَضَبٍ؛ فَأَتَيْحَ لَهُ قَوْمٌ [فَقَتَلُوهُ] فَقَتَلُوهُ، وَبَايَعَنِي النَّاسُ غَيْرَ مُسْتَكْرَهِينَ وَ لَا مُجْبَرِينَ، بَلْ طَائِعِينَ مُخْبَرِينَ. وَاعْلَمُوا أَنَّ دَارَ الْهَجْرَةِ قَدْ قَلَعَتْ بِأَهْلِهَا وَ قَلَعُوا بِهَا وَ جَاشَتْ جَيْشَ الْمُرْجَلِ وَ قَامَتِ الْفِتْنَةُ عَلَى الْقُطْبِ؛ فَاسْرِعُوا إِلَى أَمِيرِكُمْ وَ بَادِرُوا جِهَادَ عَدُوِّكُمْ، إِنَّ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

از نامه‌های اوست به مردم کوفه، هنگامی که از مدینه به بصره می‌رفت: از بنده خدا، علی امیر مؤمنان، به مردم کوفه که در میان انصار پایه‌ای ارجمند دارند، و در عرب مقامی بلند. من شما را از کار عثمان آگاه می‌کنم، چنانکه شنیدن آن همچون دیدن بود: مردم بر عثمان خرده گرفتند. من یکی از مهاجران بودم بیشتر خشنودی وی را می‌خواستم و کمتر سرزنشش می‌نمودم، و طلحه و زبیر آسانترین کارشان آن بود که بر او بتازند، و برنجانندش و ناتوانش سازند. عایشه نیز سر برآورد و خشمی را که از او داشت، آشکار کرد و مردمی فرصت یافتند و کار او را ساختند. پس مردم با من بیعت کردند، نه نادلخواه و نه از روی اجبار بلکه فرمانبردار و به اختیار. و بدانید که مدینه مردمش را از خود راند، و مردم آن در شهر نماند. دیگ آشوب جوشان گشت، و فتنه بر پای و خروشان. پس به سوی امیر خود شتابان بپوید و در جهاد با دشمنان بر یکدیگر پیشی جوید ان شاء الله. (نامه 1)

³. أَفَّ لَكُمْ، لَقَدْ سَمِئْتُ عَنَابَكُمْ، أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوْضًا وَ بِالذُّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا؟ إِذَا دَعَوْنَكُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدُوِّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي غَمْرَةٍ وَ مِنَ الدُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ. يُرْتَجَّ عَلَيْكُمْ جَوَارِي فَتَغْمَهُونَ [فَكَانَ] وَ كَانَ فُلُوبُكُمْ مَأْلُوسَةً فَأَنْتُمْ لَا تَغْفُلُونَ..

نفرین بر شما کوفیان که از فراوانی سرزنش شما خسته شدم. آیا به جای زندگی جاویدان قیامت به زندگی زود گذر دنیا رضایت دادید و بجای عزت و سربلندی، بدبختی و ذلت را انتخاب کردید؟ هرگاه شما را به جهاد با دشمنان دعوت می‌کنم، چشمانتان از ترس در کاسه می‌گردد، گویا ترس از مرگ عقل شما را ربوده و چون انسان‌های مست از خود بیگانه شده، حیران و سرگردانید. گویا عقل‌های خود را از دست داده و درک نمی‌کنید. (خطبه 34)

صادق(ع) بر ضرورت آموزش فرزندان در سنین پایین تأکید می‌کند و می‌فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجَةُ» (کلینی، الکافی، ج 6، ص 47) این روایت نشان می‌دهد که فرصت‌ها برای انجام کارهای خیر، از جمله تربیت دینی فرزندان، محدود است و باید از آن‌ها به بهترین نحو استفاده کرد تا مبادا فرصت طلایی تربیت آن‌ها از دست برود.

همچنین، امام سجاد(ع) بر اهمیت سلام کردن بر حجاج پیش از آنکه گناهان آن‌ها را آلوده کند، تأکید می‌کند. (صدوق، من لا یحضر الفقیه، ج 2).⁴ این روایات نشان می‌دهند که مفهوم "مهلت معین داشتن جهاد" به حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی گسترش می‌یابد و بر اهمیت استفاده بهینه از فرصت‌ها در همه عرصه‌ها تأکید دارد.

در مجموع، می‌توان گفت که مفهوم مهلت معین داشتن جهاد در نهج البلاغه، یکی از ابعاد مهم اندیشه جهادی امام علی(ع) است و به این معناست که فرصت‌ها برای انجام وظایف دینی و اجتماعی محدود است و باید از آن‌ها به بهترین نحو استفاده کرد. تعلل و تأخیر در انجام این وظایف می‌تواند به از دست رفتن فرصت‌ها و عواقب ناگوار منجر شود. بنابراین، مؤمنان باید همواره هوشیار باشند و از فرصت‌های موجود برای انجام کارهای خیر و مقابله با شر استفاده کنند. این مفهوم، بر اهمیت استفاده بهینه از فرصت‌ها، اقدام فوری و بی‌درنگ، و اجتناب از تردید و تعلل در راه خدا تأکید دارد. این مفهوم، نه تنها در حوزه جهاد، بلکه در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی قابل تعمیم است و می‌تواند به عنوان یک راهبرد برای دستیابی به موفقیت در زندگی مورد استفاده قرار گیرد.

4. ضرورت بصیرت و نیت صادق در تحقق جهاد

در نهج البلاغه، بر اهمیت بصیرت و نیت صادق در تحقق جهاد تأکید فراوانی شده است. در بیان امیرمؤمنان علی(ع) در خطبه 197، با اشاره به تجربیات خویش در کنار پیامبر اکرم(ص)، بر لزوم داشتن بینش عمیق و انگیزه‌های خالص در راه خدا تأکید می‌کنند. «فَانْفُذُوا عَلَى بَصَائِرِكُمْ وَ لِتَصْدُقَ نِيَّاتُكُمْ فِي جِهَادٍ عَدُوَّكُمْ» (نهج البلاغه،

4. «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بَادِرُوا بِالسَّلَامِ عَلَى الْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِينَ وَ مُصَافَحَتِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُخَالِطَهُمُ الذُّنُوبُ» .

و امام سجاد علیه السلام فرمود: سلام بر حاجیان و معتمرین، و بمصافحه ایشان بشتابید، پیش از آنکه بگناهان آلوده شوند. (من لا یحضره الفقیه، جلد ۲، صفحه ۲۲۸)

و در شرح این حدیث نیز آمده است: و کالصحيح منقولست از حضرت سید الساجدين صلوات الله عليه که فرمودند که مبادرت کنید و پیش دستی نمایید که به زودی ایشان را دریابید به استقبال ایشان یا اعم که سلام کنید بر جمعی که حج کرده باشند یا عمره به جا آورده باشند یا هر دو و مصافحه کنید با ایشان پیش از آن که مکدر شوند به کدورت گناهان چنانکه گذشت که نور حج با ایشان است تا آلوده گناهان نشده باشند. (لوامع صاحبقرانی؛ ج ۷ ص ۱۶۵)

خطبه 197). 5. بصیرت، به معنای شناخت و بینش عمیق و روشن نسبت به حقایق و واقعیت هاست. این مفهوم با دانایی همراه با باور و ایمان، از آگاهی‌های سطحی متمایز می‌شود. بصیرت، به انسان امکان می‌دهد تا حق را از باطل تشخیص داده و در مسیر صحیح گام بردارد. بصیرت، به مجاهد قدرت می‌دهد تا در پیچیده‌ترین شرایط، راه درست را انتخاب کند و از گمراهی‌ها پرهیز کند.

بصیرت از دیدگاه امام (ع) پیش‌نیازی ضروری برای هرگونه عمل جهادی است. ایشان می‌فرمایند: "فَانْفُذُوا عَلَى بَصَائِرِكُمْ" (پس بر پایه بینش‌های خود به راه افتید). این بدان معناست که جهاد باید بر اساس دانش، آگاهی و تحلیل دقیق از شرایط و موقعیت‌ها صورت گیرد. (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۵/ج: ۱۰/۱۷۸).

از سوی دیگر، نیت صادق که به معنای پاک بودن انگیزه‌ها از هرگونه آلودگی دنیوی است از دیگر عناصر کلیدی در تحقق جهاد است؛ یعنی انجام عمل جهادی به قصد قربت و رضای خدا، در روایات اسلامی، بر اهمیت نیت صادق تأکید فراوانی شده است. امام علی (ع) نیز در این زمینه می‌فرمایند: "الأعمال بالنیات"؛ یعنی "اعمال به نیت است" (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۸۴) امام علی (ع) در خطبه 12، به صراحت بیان می‌دارند که حتی افرادی که به دلایل مختلف قادر به حضور فیزیکی در میدان جهاد نیستند، اما نیت صادق دارند، در ثواب جهاد شریک خواهند بود (نهج البلاغه، خطبه 12). 6. این دیدگاه، نشان از اهمیت بالای انگیزه‌های درونی در عمل جهادی دارد.

5. و من کلام له (علیه السلام) یُنَبِّهَ فیه علی فضیلتہ لقبول قوله و أمره و نهیه: وَ لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله) أَنِّي لَمْ أَرِدْ عَلَى اللَّهِ وَلَا عَلَى رَسُولِهِ سَاعَةً قَطُّ، وَ لَقَدْ وَاسَيْتُهُ بِنَفْسِي فِي الْمَوَاطِنِ الَّتِي تَنْكُصُ فِيهَا الْأَبْطَالُ وَ تَتَأَخَّرُ فِيهَا الْأَقْدَامُ، نَجْدَةً أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِهَا. وَ لَقَدْ فُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ وَ إِنَّ رَأْسَهُ لَعَلَى صَدْرِي وَ لَقَدْ سَأَلْتُ نَفْسَهُ فِي كَفِّي، فَأَمَرَتْهُا عَلَى وَجْهِي، وَ لَقَدْ وُلِّيتُ غُسْلَهُ وَ الْمَلَائِكَةُ أَعْوَانِي، ضَجَّتِ الدَّارُ وَ الْأَفْنِيَّةُ، مَلَأَ يَهْطُ وَ مَلَأَ يَعْزُجُ وَ مَا فَارَقْتُ سَمْعِي هَيْئَةً، مِنْهُمْ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى وَارِثَاهُ فِي صَرِيحِهِ. فَمَنْ ذَا أَحَقُّ بِهِ مِنِّي حَيًّا وَ مَيِّتًا؟ فَانْفُذُوا عَلَى بَصَائِرِكُمْ وَ لَتَصُدَّقُنَّ بِنِائِتِكُمْ فِي جِهَادِ عَدُوِّكُمْ. فَوَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنِّي لَعَلِّي جَادَّةٌ الْحَقُّ، وَ إِنَّهُمْ لَعَلِّي مَرْئِلَةُ الْبَاطِلِ. أَقُولُ مَا تَسْمَعُونَ وَ أَشْتَغِفُ اللَّهَ لِي وَ لَكُمْ.

از یاران محمد (صلی الله علیه وآله) آنان که گنجور اسرارند و کتاب و سنت را امانتدار، می‌دانند که من، دمی معارض فرمان خدا و رسول او نبودم و به جان خود پیامبر (ص) را یاری نمودم آنجا که دلیران واپس خزیدند، و گامها برگردیدند. آن دلیری و مردانگی بود که خدا به من ارزانی فرمود. و رسول خدا (ص) جان سپرد حالی که سر او بر سینه من بود. و نفس او در کف من روان شد. آن را بر چهره خویش کشیدم، و شستن او را عهده دار گردیدم، و فرشتگان یاور من بودند و خانه و پیرامون آن فریاد می‌کشید. گروهی -فرشته- فرود می‌آمد و گروهی به آسمان می‌پريد، و بانگ آنان از گوش من نپريد. بر روی درود می‌گفتند تا او را در خاک نهادیم. پس چه کسی سزاوارتر است بدو از من، چه در زندگی او و چه پس از مردن؟ پس با دل بینا به راه افتید و نیت خویش را در جهاد با دشمن خود راست بدارید که به خدایی که جز او خدایی نیست من به راه حق می‌روم و آنان بر لغزشگاه باطلند. می‌شنوید آنچه را می‌گویم و برای خود و شما از خدا آمرزش می‌خواهم. (خطبه 197)

6. از دیدگاه امیر مومنان (ع) صدق در نیت از چنان اهمیتی برخوردار است که صاحبان آن به عنوان مجاهدان و همراهان همیشگی لشکر حق در طول زمان هستند و حتی عدم امکان حضور جسمانی آنان در صحنه‌های جهاد - به دلایل موجه از جمله به این دلیل که صحنه‌های مختلف جهاد در طول تاریخ، مقارن با دوره حیات آنها نبوده است - مانع از حاضر محسوب شدن آنها در صحنه‌های

در نهج البلاغه بصیرت و نیت صادق، دو بال پرواز میدان جهاد و دو اصل مکمل و ضروری برای تحقق جهاد هستند که مجاهد را در مسیر حق هدایت می کنند و او را به مقصد نهایی می رسانند. بصیرت، به انسان نشان می دهد که چه کاری باید انجام دهد و نیت صادق، او را در این مسیر ثابت قدم نگه می دارد. بدون بصیرت، ممکن است انسان در مسیر باطل گام بردارد و بدون نیت صادق، ممکن است از مسیر خود منحرف شود. جهادی که با بصیرت و نیت صادق همراه باشد، جهادی مؤثر و ماندگار خواهد بود. چنین جهادی، نه تنها به پیروزی در میدان نبرد منجر می شود، بلکه به تحول و اصلاح جامعه نیز کمک می کند.

در خطبه 56 نهج البلاغه، امام (ع) با توصیف رشادت های اصحاب پیامبر (ص) در جنگ ها، به اهمیت بصیرت و نیت صادق در کسب پیروزی تأکید می کنند (نهج البلاغه، خطبه 56).⁷ ایشان می فرمایند که پیروزی مسلمانان در

جهاد نمی شود و این منطق علوی را به وضوح در نهج البلاغه می توان مشاهده کرد؛ همچنان که در خطبه دوازدهم نهج البلاغه، این منطق علوی به صراحت بیان شده است؛

و من کلام له (علیه السلام) لما أظفره الله بأصحاب الجمل: وَقَدْ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَدِدْتُ أَنْ أَخِي فَلَانًا كَانَ شَاهِدَنَا لِيَزِي مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَى أَعْدَائِكَ. فَقَالَ لَهُ (علیه السلام) أَهْوَى أَخِيكَ مَعَنَا؟ فَقَالَ نَعَمْ. قَالَ فَقَدْ شَهِدْنَا، وَلَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا [قَوْمٌ] أَقْوَامٌ فِي أَضْلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ، سَيَزَعُفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَيَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ.

و از سخنان آن حضرت است هنگامی که خداوند او را بر یاران جمل پیروز کرد. در آن حال یکی از یارانش گفت: دوست داشتم برادرم فلانی در این نبرد بود و این پیروزی الهی تو را بر دشمنان می دید. حضرت فرمود: آیا خواست برادرت با ماست؟ گفت: آری، فرمود: بنا بر این با ما حضور داشته. همانا اقوامی با ما در این لشکرمان حضور داشتند که در پشت مردان و زهدان زنان هستند. و زمان های آینده آنان را به صحنه می آورد و ایمان به سبب آنان نیرومند می شود. (خطبه 12)

بر اساس این منطق علوی، به نظر می رسد فردی که به گوهر معرفتی صدق در نیت دست یافته باشد؛ اگر فرض کنیم خداوند به او حتی 250 سال عمر بدهد در همه صحنه های جهاد عمر خود حضور خواهد یافت و همچنین همه ی صادقان در نیت در طول تاریخ نیز اگر عمر بیشتری می داشتند همینگونه عمل می کردند.

⁷. و من کلام له (علیه السلام) یصف أصحاب رسول الله و ذلك يوم صفين حين أمر الناس بالصلح: وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاءَنَا وَإِخْوَانَنَا وَأَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيْمَانًا وَتَسْلِيمًا وَمُضِيًّا عَلَى اللَّقِيمِ وَصَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ وَجِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ، وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنَّا وَالْآخَرُ مِنْ عَدُوَّنَا يَتَصَاوِلَانِ تَصَاوُلَ الْفَحْلَيْنِ يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا أَيُّهُمَا يَسْقِي صَاحِبَهُ كَأْسَ الْمُنُونِ فَمَرَّةً لَنَا مِنْ عَدُوَّنَا وَمَرَّةً لِعَدُوَّنَا مِنَّا، فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُوْنَا الْكُتْبَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيًا جِرَانَهُ وَتُتَبِّوْنَا أَوْطَانَهُ؛ وَلَعَمْرِي لَوْ كُنَّا نَأْتِي مَا أَتَيْتُمْ مَا قَامَ لِلدِّينِ عُمُودٌ وَلَا أَحْضَرُ لِلْإِيْمَانِ عُودٌ وَ إِيْمُ اللَّهِ لَتَحْتَلِبُنَّهَا دَمًا وَ لَتُنْبِغُنَّهَا نَدَمًا.

از سخنان آن حضرت علیه السلام است (که در آن ثبات قدم خویش و سائر اصحاب حضرت رسول و فداکاریهایشان را در جنگها برای یاری دین مقدس اسلام بیان فرموده، و اصحابش را بجهاد در راه خدا و جنگ با دشمنان ترغیب نموده آنان را از سستی در این امر توبیخ و سرزنش می نماید): ما (برای یاری دین اسلام زمانیکه) با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود را (در جنگها) می کشتیم، و این رفتار بر ایمان و اعتقاد ما افزوده اطاعت و فرمانبرداری پیش می گرفتیم، و ثبات قدم ما را در راه راست می افزود، و شکیبایی ما را بر سوزش درد و سعی و کوششمان را برای جهاد با دشمن زیاد می نمود، و (در کارزارهای زمان پیغمبر روش جنگیدن ما با دشمن چنین) بود مردی از ما با یکی از دشمن بیکدیگر حمله کرده با هم در می افتادند مانند در افتادن دو حیوان نر و بجان یکدیگر می افتادند (در صدد کشتن هم بر می آمدند) تا کدام يك دیگری را از جام مرگ سیراب نماید (او را بکشد) پس گاهی ما بر دشمن ظفر می یافتیم و گاهی دشمن بر ما غالب می گشت، چون خداوند راستی ما را دید (از همه چیز گذشتن در راه اسلام

جنگ‌ها، نتیجه ایمان راسخ، بصیرت و نیت خالص آن‌ها بوده است به عبارت دیگر جهاد با دشمنان، باید با بصیرت و نیت خالص همراه باشد تا به استقرار اسلام و پیروزی و سعادت دنیوی و اخروی مجاهدان منجر شود و این دو اصل، نه تنها برای موفقیت در جهاد، بلکه برای هر نوع مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی ضروری است.

5. مانع ناپذیری جهاد

در بیان امام علی (ع) در نهج البلاغه، جهاد ابعادی گسترده از جمله جهاد با نفس و تلاش برای اصلاح جامعه را نیز در بر می‌گیرد و ایشان بر لزوم فائق آمدن بر هر نوعی از موانع، برای انجام جهاد تأکید فراوان دارند. بر اساس این دیدگاه، جهاد وظیفه‌ای الهی و امری واجب است که در صورت فراهم شدن شرایط، هیچ عذری برای ترک آن پذیرفته نیست و هرگونه عاملی که مانع از انجام این تکلیف الهی شود، فاقد حجیت و اعتبار، مذموم و ناپسند است.

در خطبه 56 نهج البلاغه، امام (ع) با اشاره به تجربیات خود در کنار پیامبر (ص)، به وضوح بیان می‌دارند که حتی روابط خویشاوندی نیز نمی‌تواند مانع از انجام جهاد شود. این امر نشان می‌دهد که در نظر ایشان، هیچ مانع عرفی یا اجتماعی نباید بر اولویت‌های الهی غلبه کند.

همچنین، در خطبه 34 نهج البلاغه، امام (ع) به شدت از کسانی که بهانه‌جویی کرده و از جهاد شانه خالی می‌کنند، انتقاد می‌نماید و آنها را به دنیاگرایی و ترس از مرگ متهم می‌کند. (نهج البلاغه، خطبه 34). 8

با توجه به این موارد، می‌توان گفت که از دیدگاه امام علی (ع)، جهاد یک وظیفه الهی و انسانی است و هیچ مانع روان‌شناختی، اجتماعی نباید از انجام آن جلوگیری کند.

را نشان دادیم) دشمن ما را خوار و فیروزی را نصیب ما گردانید، تا اینکه اسلام مستقر (و امر دین منظم) گردید مانند شتری که در موقع استراحت سینه و گردن خود را بر زمین می‌افکند (از اضطراب و نگرانی از دشمن رهائی یافت) و در جاهای خود پخش شد (حقیقت آن در همه جای جهان منتشر گردید) و بجان خودم سوگند اگر رفتار ما (در یاری اسلام) مانند رفتار شما بود (و در پیکار با دشمن مانند شما سستی و سهل انگاری می‌نمودیم) پایه دین برقرار نمی‌گردید (خداشناسی پیدا نمی‌شد) و شاخه درخت ایمان سبز نمی‌گشت (قوانین اسلام منتشر نمی‌گردید) و سوگند بخدا از این رفتار (ناپسندیده و سستی در کارزار بعوض شیر از ناقه دنیا) خون خواهید دوشید، و در پی آن (وقتی دشمن بر شما مسلط گردد) پشیمان خواهید گشت. (خطبه 56)

8. أَفَّ لَكُمْ، لَقَدْ سَيَّمْتُ عِتَابَكُمْ، أَرْضِيئُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوْضًا وَ بِالذُّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا؟ إِذَا دَعَوْنَكُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدُوُّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي غَمْرَةٍ وَ مِنَ الدُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ. يُرْتَجُ عَلَيْكُمْ جَوَارِي فَتَعْمَهُونَ [فَكَانَ] وَ كَانَ قُلُوبُكُمْ مَأْلُوسَةً فَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ...

نفرین بر شما کوفیان که از فراوانی سرزنش شما خسته شدم. آیا به جای زندگی جاویدان قیامت به زندگی زود گذر دنیا رضایت دادید و بجای عزت و سر بلندی، بدبختی و ذلت را انتخاب کردید؟ هرگاه شما را به جهاد با دشمنان دعوت می‌کنم، چشمانتان از ترس در کاسه می‌گردد، گویا ترس از مرگ عقل شما را ربوده و چون انسان‌های مست از خود بیگانه شده، حیران و سرگردانید. گویا عقل‌های خود را از دست داده و درک نمی‌کنید. (خطبه 34)

مانع جویی از جهاد، ابعاد مختلفی دارد. از جمله این ابعاد می‌توان به موانع روانی مانند ترس از مرگ، طمع در دنیا، و وابستگی به تعلقات دنیوی اشاره کرد. همچنین، موانع اجتماعی مانند فشار گروه، عرف جامعه، و ترس از تبعات اجتماعی نیز می‌توانند مانع از انجام جهاد شوند.

اهمیت عدم وجود مانع برای جهاد، در ارتباط تنگاتنگ آن با مفاهیم اسلامی مانند ایمان، تقوا، شجاعت و اخلاص نهفته است. افرادی که با ایمان راسخ به خدا و معاد، و با انگیزه تحقق اهداف الهی به جهاد می‌پردازند، کمتر تحت تأثیر موانع روانی و اجتماعی قرار می‌گیرند.

مفهوم مانع‌ناپذیری جهاد در نهج البلاغه، نشان‌دهنده اهمیت اولویت‌بندی ارزش‌ها و التزام به انجام وظایف الهی است. این مفهوم، برای مسلمانان در همه اعصار و مکان‌ها، الگویی ارزشمند برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد.

6. ضرورت تکیه گاه معنوی در جهاد

اهمیت اعتقادات دینی در تداوم جهاد یکی از مباحث کلیدی در نهج البلاغه است که بر لزوم داشتن یک تکیه‌گاه معنوی قوی برای مجاهدان تأکید فراوان دارد. امام علی (ع) در سخنان خود، به وضوح نشان می‌دهد که حضور فیزیکی در کنار حجت الهی، برای موفقیت در جهاد کافی نیست، بلکه ارتباط عمیق و باطنی با رهبری الهی و ایمان راسخ به معارف اسلامی ضرورتی مهم تر از آن می‌باشد.

قرآن کریم نیز بر اهمیت این موضوع تأکید کرده است. در سوره آل عمران، آیه 144، خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ» (آل عمران: 144). این آیه نشان می‌دهد که ایمان به پیامبر اسلام (ص) و اهداف الهی، فراتر از شخصیت فردی پیامبر (ص) است و با شهادت و یا درگذشت ایشان، نباید ایمان و تلاش مسلمانان متوقف شود (مکارم شیرازی، 1375).

در این آیه به صراحت بیان شده است که ایمان به پیامبر (ص) و ادامه راه ایشان پس از رحلت ایشان، از شروط اصلی در جهاد است. تفسیر نمونه در تبیین این آیه، به اهمیت پرهیز از فردگرایی و وابستگی بیش از حد به شخص پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند و بر لزوم داشتن اعتقادی پایدار به اهداف بلند اسلام تأکید دارد (مکارم شیرازی، 1375).

امام علی (ع) با بیان اینکه "وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نَقُتِلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا" ما (برای یاری دین اسلام زمانیکه) با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود را (در جنگها) می‌کشتیم، " (نهج البلاغه، خطبه 56) بر این نکته مهم تأکید می‌کنند که همراهی با پیامبر (ص) صرفاً یک همراهی جسمانی نبوده، بلکه همراهی با معارف و اهداف الهی بوده است.

در روایات نیز بر اهمیت اعتقادات راسخ و پویایی ایمان حتی در غیبت امام معصوم تأکید شده است. پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرماید "يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ عَلَى بَيَاضٍ" ای علی، شگفت‌آورترین مردم در ایمان و بزرگترین آنان در یقین مردمی باشند

در آخر الزمان که پیغمبر خود را ندیدند و امامشان نیز محبوب است از ایشان، و همان بنوشته که خط سیاهی است بر صفحه سفید ایمان آورده‌اند. (بحارالانوار، ج 4، ص 352). این روایت نشان می‌دهد که ایمان راسخ و پایبندی به اصول دین، حتی در شرایطی که دسترسی مستقیم به امام معصوم وجود ندارد، می‌تواند افراد را به سمت کمال و سعادت هدایت کند. در نتیجه، می‌توان گفت که جهاد، نیازمند یک پشتوانه معنوی قوی و اعتقادی راسخ است. این پشتوانه معنوی، به افراد کمک می‌کند تا در برابر مشکلات و سختی‌ها مقاومت کنند و به اهداف الهی دست یابند.

7. نشانه‌های صحت جهاد: افزایش ایمان، تسلیم، صبر، حرکت در مسیر حق و تلاش در جهاد

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در بررسی مفهوم جهاد مطرح می‌شود، سنجش صحت و مشروعیت آن است. امام علی (ع) در نهج البلاغه، به شرایط و نتایج جهاد صحیح اشاره کرده و معیارهایی برای تشخیص آن ارائه می‌دهند. در خطبه 56 نهج البلاغه، امام (ع) به برخی از نتایج و آثار جهاد صحیح اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَقُتِلُ آبَاءَنَا وَابْنَاءَنَا وَإِخْوَانَنَا وَأَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقَمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ وَ جِدًّا فِي جِهَادِ الْعُدُوِّ» (نهج البلاغه، خطبه 56). بر اساس این فراز، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های صحت جهاد، افزایش ایمان، تسلیم در برابر فرمان الهی، و استقامت در مسیر حق است. همچنین، صبر و تحمل سختی‌ها و جدیت در مبارزه با دشمن، از دیگر نشانه‌های جهاد صحیح به شمار می‌آیند.

در نهایت، می‌توان گفت که نتایج و ثمرات جهاد، بهترین معیار برای سنجش صحت و درستی آن است. اگر جهادی منجر به افزایش ایمان، تسلیم، صبر، استقامت و ترویج ارزش‌های اسلامی شود، می‌توان آن را جهادی صحیح و در مسیر حق دانست. در غیر این صورت، احتمالاً شرایط و مقتضیات جهاد به درستی رعایت نشده است.

8. شکست قطعی، نتیجه رویگردانی از جهاد

خطبه 97 نهج البلاغه، تصویری روشن از اهمیت جهاد و پیامدهای رویگردانی از آن ارائه می‌دهد. امام علی (ع) در این خطبه، با سوگند یاد کردن بر شکست حتمی کوفیان، به دلیل سستی آن‌ها در پاسخ به ندای جهاد، به وضوح بیان می‌دارد که جهاد نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه عاملی تعیین‌کننده در سرنوشت جوامع است.

"أَمَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيُظْهَرَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ عَلَيْكُمْ، لَيْسَ لَانَّهُمْ أُولَى بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَ لَكِنْ لِإِسْرَاعِهِمْ إِلَى [بَاطِلِهِمْ] بَاطِلِ صَاحِبِهِمْ وَ إِبْطَائِكُمْ عَنْ حَقِّي" سوگند به آن کس که جانم در دست قدرت اوست! این قوم (سپاه شام) سرانجام بر شما پیروز می‌شوند، اما نه به خاطر این که در حقانیت از شما سزاوارترند؛ بلکه به این جهت در طریق باطل زمامدارانشان، سریع و کوشا هستند؛ در حالی که شما در ادای حق من سستی می‌کنید.

ایشان با تأکید بر ضرورت حضور فعال و آگاهانه در میدان جهاد، به کوفیان هشدار می‌دهند که بی‌تفاوتی و بی‌میلی به مشارکت در این امر، آن‌ها را به سوی شکست خواهد کشاند.

امام علی (ع) در این خطبه، با بیان اینکه کوفیان، "صَمَّ دَوُو أَسْمَاعٍ وَ بُكْمَ دَوُو كَلَامٍ وَ عُفَى دَوُو أَبْصَارٍ" هستند، به روشنی به فقدان بصیرت و آگاهی آن‌ها اشاره می‌کند.

با توجه به تحلیل خطبه 97، می‌توان نتیجه گرفت که جهاد در نگاه امام علی (ع) فراتر از یک وظیفه فردی، به عنوان یک کنشگری اجتماعی برای تحقق عدالت و گسترش ارزش‌های اسلامی مطرح می‌شود. رویگردانی از جهاد، نه تنها به شکست در دنیای مادی منجر می‌شود، بلکه عواقب وخیمی را در آخرت نیز در پی خواهد داشت.

امام علی (ع) در این خطبه، با استفاده از زبان شیوا و بیان‌های تأثیرگذار، به مخاطبان خود هشدار می‌دهد که جهاد، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و آن‌ها باید با تمام توان در این مسیر گام بردارند. ایشان با تأکید بر اهمیت پیروی از اهل بیت (ع) به عنوان الگوهای کامل، به کوفیان راه روشن سعادت را نشان می‌دهند.

به طور خلاصه، خطبه 97 نهج البلاغه، یک سند ارزشمند برای درک عمق اندیشه‌های امام علی (ع) درباره جهاد و اهمیت آن در زندگی فردی و اجتماعی است. این خطبه، به ما می‌آموزد که جهاد، تنها به معنای نبرد نظامی نیست، بلکه شامل هرگونه تلاش برای تحقق اهداف الهی و انسانی است.

در این خطبه، امام (ع) به همه ی ویژگی ضروری یادشده برای موفقیت در جهاد اشاره می‌کنند که کوفیان از آن‌ها برخوردار نبودند.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم جهاد در نهج البلاغه فراتر از نبرد نظامی است و ابعاد مختلفی از جمله مبارزه با نفس، مقابله با ظلم و تلاش برای احیای ارزش‌های اسلامی را در بر می‌گیرد. امام علی (ع) جهاد را به عنوان یک فریضه الهی و مسئولیت اجتماعی معرفی کرده‌اند که نه تنها وظیفه‌ای فردی، بلکه یک مسئولیت جمعی است. این جهاد با توجه به شرایط و توانایی‌های افراد، در اشکال مختلفی چون حج، صبر در زندگی خانوادگی، و مبارزه با دشمنان دین تعریف می‌شود. همچنین، زمان‌مندی و استفاده بهینه از فرصت‌ها، بصیرت و نیت صادق به عنوان اصول کلیدی در جهاد موفق شناخته شده‌اند.

تحلیل محتوای نهج البلاغه نشان می‌دهد که ترک جهاد و بی‌تفاوتی در برابر آن، می‌تواند به شکست‌های اجتماعی و دینی منجر شود. از دیدگاه امام علی (ع)، جهاد نه تنها یک وظیفه فردی، بلکه یک ضرورت اجتماعی است که حفظ دین و جامعه اسلامی را تضمین می‌کند. بنابراین، برای مسلمانان ضروری است که با توجه به شرایط زمانه، به جهاد در اشکال مختلف آن بپردازند و از فرصت‌ها برای تحقق اهداف الهی بهره‌برداری کنند. این پژوهش بر اهمیت ضرورت جهاد در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأکید دارد و نشان می‌دهد که جهاد، به عنوان یک الگوی جامع اسلامی، نقش حیاتی در حفظ و گسترش ارزش‌های دینی و اجتماعی ایفا می‌کند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). الفردات فی غریب القرآن. (ص. ۲۰۸، ۴۰۷، ۵۴۸). دمشق-بیروت: دارالعلم.

ابن منظور، ا. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. (ج ۳، ص ۱۳۳؛ ج ۴، ص ۶۵).

مصطفوی، ح. (۱۴۳۰ق). التحقيق فی کلمات القرآن. (ج ۲، ص ۲۲).

کرمی میرعزیزی، ب.، و همکاران. (۱۳۹۵، تابستان). مقاله واژه شناسی جهاد در قرآن کریم. سراج منیر، 23، (129-150).

کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. (ج ۵، ص ۹؛ ج ۶، ص ۴۷).

صدوق، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. (ج ۲، ص ۲۲۸؛ ج ۴، ص ۳۵۲).

مکارم شیرازی، ن. (بی تا). تفسیر نمونه. ج ۳، ص ۱۱۶

مکارم شیرازی، ن. (بی تا). شرح پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام. ج ۴، ص ۲۹۷-۲۹۱.

طبرسی، علی بن الحسین. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (ج ۳، ص ۱۱۶).

منتظری، ح. ع. درسهای از نهج البلاغه. (جلد ۱۰، ص ۴۴۹).

ابن ابی الحدید، عبدالحمید. شرح نهج البلاغه. (ج ۱۰، ص ۱۷۸).

فیروزآبادی، محمد بن محمد. القاموس المحيط. (ص ۳/۲۵۳).

بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحیح. (۱۴۲۲ق). (ج ۶، ص ۱).

طبرانی، سلیمان بن احمد. المعجم الکبیر. (ج ۹).

حاجی صادق، ق. (۱۳۹۳).

مححص، م. (۱۳۹۵، بهار). راهبردهای «نفوذ اجتماعی» از رهگذر خطبه قاصعه. پژوهش های نهج البلاغه، 48.

[نام نویسنده ناشناخته]. (۱۳۹۳، زمستان). درآمدی بر مفهوم صدق، مراتب و آثار آن از منظر نهج البلاغه. بصیرت

و تربیت اسلامی، 31، (1-12).

فراهیدی، خ. (۱۴۱۰ق). کتاب العین. (چ دوم، ج ۵، ص ۸۵). قم: انتشارات هجرت.

قرشی، س. ا. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. (چ ششم، ج ۳، ص ۲۵۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نوری همدانی، ح. کتاب جهاد. (ص ۷۶). [بی نا]: [بی جا].